

# سوسیال دموکراسی دینی

(محمد نخشب و خداپرستان سوسیالیست)

مرتضی کاظمیان

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۹

### بخش اول: زندگی سیاسی محمد نخبش

فصل اول: سوسیال دموکراتِ نواندیش ..... ۱۵

فصل دوم: مرد تشکیلات در جمعیت آزادی مردم ایران ..... ۲۹

فصل سوم: روشنفکر آگاه در نهضت ملی ..... ۴۱

فصل چهارم: اندیشمند در هجرت ..... ۵۷

فصل پنجم: نسل دوم خداپرستان سوسیالیست؛ جای خالی نخبش ..... ۶۵

### بخش دوم: آراء و اندیشه‌های محمد نخبش

فصل اول: سوسیال دموکراسی دینی ..... ۷۵

فصل دوم: خردورزی ..... ۸۹

۹۳	..... فصل سوم: اخلاق
۹۹	..... فصل چهارم: فلسفه
۱۰۵	..... فصل پنجم: دین
۱۱۱	..... فصل ششم: ایدئولوژی
۱۱۷	..... فصل هفتم: مبارزه
۱۲۳	..... فصل هشتم: حزب
۱۳۱	..... فصل نهم: اقتصاد
۱۳۹	..... فصل دهم: دیالکتیک و ماتریالیسم

### بخش سوم: ضمانت

۱۵۱	..... پیمان نامه فردی نهضت خداپرستان سوسیالیست
۱۵۳	..... مرامنامه حزب مردم ایران
۱۵۶	..... خصوصیات سوسیالیسم مردم ایران
۱۶۰	..... نخشب و نظریه انتقادی
۱۷۳	..... یادداشت‌ها و منابع
۱۸۹	..... منابع
۱۹۱	..... نمایه
۱۹۴	..... عکس‌ها

## فصل اول

### سوسیال دموکرات نواندیش

«مَثَلِ معروفی است؛ می‌گویند: داوود (ع) وقتی حرف می‌زد، آب از حرکت باز می‌ایستاد. «او»، این گونه بود!»<sup>(۱)</sup>

این نظر، توصیفِ فقط یکی از یاران قدیمی «محمدنخشب» نیست؛ دکتر ابراهیم یزدی نیز که سالهای میانی دههٔ ۱۳۲۰ را مرور می‌کند، نظری مشابه مهدی صراف دارد: «نخشب جلسه را اداره می‌کرد؛ او خیلی محکم، با حرارت و با احساس صحبت می‌کرد. در ضمن صحبت با چشمانِ نافذ خود به چشمانِ مخاطبان و شنوندگان خیره می‌شد تا از تأثیر کلام خود بر آنها مطمئن گردد. او در بارهٔ بدبختی و فقر و محرومیت مسلمان‌ها، ضرورت مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی، تساوی، اخلاق، مسئولیتِ افراد برای رفع ظلم و ستم، تغییر سرنوشت، آیندهٔ بهتر برای اکثریت مردم، استقلال کشور در برابر سلطه بیگانگان، از فساد حاکمیت و خودفروختگی به بیگانگان، صحبت می‌کرد. در ضمن صحبت از سخنان امام علی (ع)، قطعاتی را برایمان

می خواند؛ بعد از صحبت، او با اصرار از هر کس می خواست تا نظر بدهد؛ او می کوشید که همه در بحث شرکت کنند. نخشب، محرک خوبی بود و می دانست چگونه شنوندگان خود را به حرکت و فکر وا دارد»<sup>(۲)</sup>.  
 زنده یاد سرهنگ غلامرضا نجاتی نیز نخشب را «فردی مؤمن، فعال و پرحرارت» توصیف می کند<sup>(۳)</sup>؛ و البته حسین شاه حسینی، از فعالان قدیمی نهضت ملی، او را «انسانی خیلی موجه و با ارزش» می خواند که «از مبارزه نمی گریخت...»<sup>(۴)</sup>.

محمود نکوروح، از همراهان محمد نخشب نیز تصریح می نماید که: «سخنرانی به جاذبه و قوت و انرژی محمد نخشب ندیده ام»<sup>(۵)</sup>.

اینها توصیف جوانی است که متولد ۱۳۰۲ در محلات جنوبی تهران بود. محمد نخشب که پدرش را در کودکی از دست داده بود، ضمن کار - برای تأمین معاش خانواده - به تحصیل در مدرسه دارالفنون، قدیمی ترین مدرسه تهران، پرداخت. در دارالفنون گروهی از دانش آموزان ملی گرا به تدریج در اطراف او، گرد هم آمدند، جوانانی که در سالهای آخر دبیرستان تحصیل می کردند و اغلب از خانواده های مذهبی بودند. گروه، ضمن بحث و گفتگو در باره مسایل جاری کشور، در پی پاسخ به پرسش «چه باید کرد» بودند. جلسات گروه، متأثر از استبداد پیش از شهریور ۱۳۲۰ به صورت مخفیانه برگزار می شد اما در همان هنگام، جمع تحت تأثیر دیدگاه های نخشب به این نتیجه رسیده بودند که برای بسیج مردم و حل معضلات جامعه، باید یک ساختار تشکیلاتی کارآمد و منظم را سامان دهند. انتشار نشریه ای دست نویس که با کاربن، کپی، و با عنوان «روزنامه ما» منتشر می شد، در همین شرایط صورت می گرفت.

جدیت و عزم نخشب و همراهان و همفکرانش در پیگیری دیدگاه های اجتماعی و مذهبی شان، منجر به شکل گیری جریانی شد که به عقیده بسیاری از صاحب نظران مسایل سیاسی و تاریخ معاصر ایران - و از جمله حسین شاه حسینی - «نخستین جمعیت فکری - سیاسی با مضمون و

هویت ملی - مذهبی زادر ایران، پس از شهریور ۲۰ شکل داد»<sup>(۶)</sup>.  
 مهندس مهدی بازرگان، دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران نیز صادقانه تصریح می کند: «شاید دور از واقع بینی و انصاف باشد که اولین حرکت اجتماعی و تجددخواهی دینی را بعد از رفتن رضاشاه و قضایای شهریور ۱۳۲۰ از جانب خود و دوستان بدانیم». بازرگان، تلاشهای اجتماعی - دینی صورت گرفته توسط دانش آموزان و معلمان متدین و روشنفکر در دبیرستان دارالفنون و دانشگاه تهران و امیرکبیر را مورد تصریح قرار می دهد<sup>(۷)</sup>.

این، مقارن شده بود با حضور محمد نخشب در دانشکده حقوق دانشگاه تهران؛ همزمان، دیدگاه های او و اطرافیان و همراهانش، با آرای جلال الدین آشتیانی که در دانشکده فنی دانشگاه تهران تحصیل می کرد، واجد قرابت ها و مشابهت های فراوانی بود. تأکید بر عدالت اجتماعی، برابری و سوسیالیسم، باورهای دینی و نیز ملی گرایی، محورهای عمده ای بود که دو گروه را به رهبری محمد نخشب و تحت تشکیلاتی به نام «جمعیت مسلمین وطن خواه» در سالهای ۱۳۷۲ مجتمع نمود<sup>(۸)</sup>. از درون همین جمع بود که «نهضت خدایپرستان سوسیالیست» - که در ابتدا ادعا و آرمانی «جهانی» داشتند - متولد شد.

باید تأکید نمود که تولد «نهضت خدایپرستان سوسیالیست» و شکل گیری و اوج یافتن فعالیتهای فکری - سیاسی و تشکیلاتی نخشب و یارانش، ذیل تحولات اجتماعی - سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ محقق می گردید. مقطعی از تاریخ معاصر ایران که با هجوم نیروهای انگلیس و شوروی، بر سرکوب و خشونت حکومت رضاشاه علیه مخالفت های اجتماعی و طبقاتی، مَهر پایان خورد. سفیرانگلیس در خرداد ۱۳۲۰ به وزارت خارجه دولت متبوعش هشدار داده بود: «نارضایتی عمومی در ایران، موقعیت مناسبی برای دسیسه چینی آلمانی ها فراهم کرده است. شاه تقریباً مورد تنفر عمومی است و نمی تواند بر حمایت کامل از ارتش